

**نویسنده :** داکتر تی پی . ولکنسون «Dr.T.P,Wilkinson» .

**منبع و تاریخ نشر :** گلوبال ریسرچ «2020-04-21» .

**برگردان :** پوهند وی دوکتور سید حسام «مل» .

[46]

## جنگ اقتصادی با روسیه و چین : اثرات اقتصادی و ژئوپولیتیکی آن از حالت به تعطیل در آوردن ویا قرنطین کردن ناشی از کووید نزده ( این در مورد اقتصاد سیاسی است ، احمقانه! )

***The Economic War with Russia and China.***

***The Economic and Geopolitical Impacts of  
the COV-19 Lockdown***

***(It's about the political economy, stupid!)***



دلیل عمده محدودیت های سفر به کوبا ؛ که همیشه بعنوان تهمت زدن به دولت کوبا  
مورد استفاده قرار میگیرد ویا که قرار میگیرد ؛ دشواری در حفظ ذخایر ارزی ویا مبادله

ارز خارجی برای تجارت بین المللی است. بویژه که از زمان پایان تجارت از نوع کومیکان (COMECON = یک انجمن اقتصادی از کشورهای اروپای شرقی که در سال 1949) تاسیس شده و مشابه جامعه اقتصادی اروپا است؛ با فروپاشی کمونیسم در شرق اروپا این انجمن در سال «1991» منحل شد.... **تفصیل توسط این قلم** (هر مسافر از کوبا مبلغ پیزوس (pesos) پول مروج کشور خود را بخاطر مصرف روزانه ای خود باید به دلار امریکایی تبادل کند؛ از آنجا یک کوبا در حال حاضر به دلیل تحریم توسط ایالات متحده بقدر کافی مواجه به موانع غیر قابل تحمل است؛ هر معامله ارزی برای توازن پرداخت های کوبا بسیار مهم است آنچه را که توان تولید آنرا ندارد و میخواهد آنرا بخرد در حقیقت کسانیکه تا هنوز میتوانند قسه عبور از غرب برلین به شرق برلین را بخاطر آورند یا که آنرا تداعی کنند به یاد می آورند: که در آلمان دموکراتیک (GDR) هر مسافر ویا بازدید کننده برای مصارف روزانه خود هنگام اقامت در آلمان شرقی باید هر روز (30) مارک آلمان غربی را به (30) مارک آلمان شرقی تبدیل میکرد که البته این مورد در غرب به شدت مورد انتقاد قرار گرفت بخصوص مسافرانی شکایت میکردند که صرف این مبلغ در اینجا به نسبت ارزان بودن کالا و متاع غیر ممکن است و نباید که هر روز (30) مارک آلمان غربی به (30) مارک آلمان شرقی تبدیل شود و اما آلمان شرقی مطمئناً سعی داشت تا نرخ تبعیض آمیز «ارزی» را که تجارت با غرب باعث تخریب ذخایر «ارزی» اش میشد جبران کند.

از جایکه بسیاری از بازدید کنندگان عادی در آلمان شکایت میکردند و رسانه های غربی آلمانی ها را در شرق ترغیب میکردند که از قدرت خرید مارک آلمان شرقی شکایت کنند؛ واقعیت این است که در سراسر جهان اقتصادهایی ملی فقط تازمانی که کنترل های (ارزی) را حفظ میکردند از گزند رژیم بریتون اوودز (Bretton Woods = سیستم بریتون اوودز که در سال «1944» در جریان کنفرانس پولی و مالی سازمان ملل متحد ایجاد شد. ارزش «ارز های» قیمت طلا را با دلار امریکایی که بعنوان «ارز» ذخیره ای عمل میکند با قیمت طلا مقایسه میکنند.... **تفصیل توسط این قلم**) جان سالم به در بردند یکی از مهمترین عناصر جنگ اقتصادی که توسط امپراتوری ایالات متحده از سال «1945» آغاز شده است، لغویا فسخ نرخ «ارز ثابت» است؛ البته بعد از تقلب رژیم پولی بین المللی پس از جنگ برای جاگزین کردن پوند انگلیسی به دلار امریکایی بعنوان «ارز معیار». صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برای تثبیت دلار امریکا با برتری نسبت به «ارز های» قدیمی اروپایی مستقر شدند و یا که تا سپس شدند.

امریکا هر دو یعنی (صندوق بین المللی پول و بانک جهانی) را در اختیار داشت؛ با وجود یکه این هر دو موسسات در اصل رسماً موسسات بین المللی بودند؛ اما همسان شرکت های خصوصی سازماندهی میشدند؛ چونکه تصمیمات اکثرأ توسط اکثریت سهامداران در صندوق بین المللی پول و یا بانک جهانی گرفته میشد. بدین اساس ایالات متحده یگانه سهامدار این موسسات بین المللی بود که بیشترین سرمایه را در این موسسات داشت و بیش از هر تصمیمی که صندوق و یا بانک میگرفت در واقعیت این ایالات متحده بود که تصمیم میگرفت. در اینجا باید گفت: پول شبیه صندوق (Fund) و بانک (Bank) بنام حقوق ترسیم ویژه (special drawing rights = SDR) نامیده شد. این واحد های حساب؛ بر مبنای ارزش وزنی ارزهای؛ «ذخیره»؛ همچو سنگ زیرین یا زیربنای عمدتاً دلار امریکایی بود (SDR) ها میتوانند برای رفع بیلائنس و یا تامین تعادل؛ تفاوت آنرا پرداخت کنند. اعضای صندوق بین المللی پول مطابق با نقاط قوت نسبی اقتصادشان (SDR) را تمدید کردند؛ که بر اساس (SDR) های اختصاص یافته به یک کشور میتواند دلار یا مبلغ دیگری برای پس انداز یا ذخیره «ارز» کافی برای پرداخت عدم تعادل موقت بین واردات و صادرات معامله شود؛ که پس از جنگ جهانی دوم تقریباً تمام تجارتها به دالر امریکایی بوده است. یعنی که همه داد و ستدها با دالر امریکایی صورت میگردد.

همانطور که نخست وزیر فقید جامایکا (Jamaican)؛ **مایکل مانلی** (Michael Manley) هنگامیکه موافقتنامه های **بریتون اوودز** (Bretton Woods) توسط اکثر کشورهایمانند که توسط **جامایکا** امضا شد گفت: هنوز کشورهای مستعمره یا کشورهای تحت الحمایه برخی از قدرت های اروپایی یا امریکایی شمالی بودند و یا هستند که برای آنها مجوز نبود که حتی اقتصاد های مستقل یا (ارزهای) ملی داشته باشند - لذا نتیجه اینکه بیشتر جمعیت جهان و یا هر یک از کشورهای تازه به استقلال رسیده که نسخه ای از **یورو- امریکایی** (Euro-American Currency) را تصویب نکنند و یا که اگر نه پذیرند راهی برای سوداوری فعالیت اقتصادی خود در تجارت بین المللی نداشته و نخواهند داشت بلکه آنها در دادوستد و یا در معاملات تجارت بین المللی خود بدون کم و کاست کاملاً با **ید** با دلار امریکایی و **پوند انگلیسی** وابسته باشند که وابسته اند! در این راستا برای محدود کردن **هژمونی دلار امریکایی** در دادوستد بین المللی؛ در **افریقا** فرانسوی ها پول **مروج** یا کرنسی بنام **فرانک افریقایی** (CFA) = واحد پول اساسی **کا مرون - کنگو - گابن** و **جمهوری افریقای مرکزی** که برابر به «100» سنت بود.... **تفصیل توسط این قلم** را اختراع کردند این **فرانک افریقایی** کشورها و مستعمرات سابق افریقایی تحت استعمار

فرانسه را با فرانک فرانسوی گره زد گرچه که از نظر نرخ مبادلوی با فرانک فرانسه برابر نبود .

و اما بهر صورت جنبش های استقلال طلبی پس از جنگ همه با وابستگی ذاتی سیستم های «ارزی» خود با دسیسه سازی های بانک های امریکایی و اروپایی مبنی بر کنترل آنها بر دوبازار مهم «ارزی» خارجی یعنی شهری (city) و وولستریت (wall street) مواجه شدند ؛ البته بدون **اتحاد جماهیر شوروی و کومیکان (COMECON)** و بعد از «1959» **کوبا** .

هنگامیکه اقتصاد امریکا با پایان یافتن جنگ در ویتنام با فروپاشی احتمالی مالی روبرو شد (در انتقال هزینه های از جنگ کره به «سازمان ملل» کاملاً موفق بود) ؛ مذاکرات مخفی دولت **نیکسون** با مقامات سلطنتی عربستان سعودی از طریق دفا تر رسمی با سازمان اوپک (OPEC) در مورد دلار امریکایی با از بین بردن تثبیت ارزش طلا و تعیین دلار امریکا بعنوان تنها (ارز) برای تجارت جهانی نفت صورت گرفت. سقوط و یا نزول هر کشوری که فاقد منابع داخلی نفت بودند ؛ مجبور به تجارت نفت در بازارهای جهانی شدند و به نحوه از آنها الزاماً در دادوستد و یا خرید نفت ؛ دلار امریکایی را مورد استفاده قرار دادند یعنی که با دلار امریکایی نفت مورد ضرورت خود را خریدند. این نکته ؛ هرگز رژیم امریکا را در جنگ علیه هیچ یک از اعضای اوپک که این قاعده آهنین را رعایت نکرده و یا نکنند در جنگ علیه آن کشورها دل خوش نخواهد کرد. البته ایالات متحده تنها کشوری است که میتواند دلار امریکایی را صادر کند و بانک های آن تنها بانکهای اند که میتوانند وجوه بدهی یا وام [قیمت دلار بدهی به ارزش دلار یک دلار است ؛ بعنوان مثال : وقتیکه ایالات متحده وام میگیرد ؛ اوراق وام را با ارزش های ذکر شده به دلار میفروشد ؛ ایالات متحده سپس سود بورس سهام «در نهایت اصلی» را به دلار پرداخت میکند ؛ ممکن است برای یک کشور کاملاً عادی به نظر برسد که «ارز» خود را وام بدهد ..... **تفصیل توسط این قلم** ] یا اوراق قرضه امریکا را بطور مستقیم و یا غیرمستقیم بفروشند ؛ از این رو نقش اصلی سیستم پس انداز فدرال ، این است که کارت کارت با نك خصوصی را به صراف ها صادر میکند یاکه این کارت به صراف ها فرستاده میشود که سیاست های پولی ایالات متحده را کنترل میکنند - رژیم امریکا همچنین سیاست سختگیرانه ای را دنبال کرده است ؛ چونکه در غیر آن هر نوع برخورد موفقیت آمیز نمی باشد و تمام این دلار ها را به دارایی های ایالات متحده باید برگردانند یا به اشخاص امریکایی اجازه دهند که از طریق ظرفیت نامحدود تولید دارایی های خارجی را بدست آورند یعنی دلار امریکایی و کسب درآمد از مشاغل خصوصی را (در حالیکه از طرف دیگر ممنوعیت درآمد وام

عمومی برای خدمات اجتماعی.... زیر ساخت ها وغیره ).  
این خود زمینه ای است که در آن باید جنگ اقتصادی کنونی با چین وبه میزان کمتری با روسیه دیده میشود این جنگ اقتصادی ؛ با حمله بر **ووهان چین** وارد مرحله جدید خود شد .

## **مقامات اروپایی وامریکایی سرعت به پیشروی یا سریعاً بجلو رفتن را به درجه های متفاوت در «قرنطین ویا تعطیل» ماندن دستور میدهند**

تاجیکه سفرهای بین المللی در داخل اروپا نیز باید متوقف شود ؛ شرکت های هواپیمایی هتل ها ، وبقیه بخش ها ویا پروگرامهای سفر عملاً چیزی به جز از فعالیت های دادوستد و تجارت چیزی دیگری نیست که ضرورت آن دیده شود که همچنان با این تعطیل بخش حمل ونقل یا انتقال مواد ویا کالاها نیز محدود شده ؛ اقتصاد روزمره تقریباً درگرو و ویروس «کرونا» قرار گرفته است. پس مزایا ویا ثمره این قرنطین ویا به تعطیل آوردن عمومی در غرب چیست ؟ من واقعاً توانستم درجای خود قرارگیرم وبرایم این ویروس «کرونا» آنقدر شوک کننده ویا شوکه اور بود که اقتصاد بعنوان یک اصل کل که بعداً به آن فکر شده اضافه شده است یعنی که ویروس کرونا موضوع اقتصاد را تحت شعاع خود قرار داده است ؟ آیا باید اعتقاد داشته باشیم که این اقدام صرفاً یک نظارت از طرف دولت بود که در مورد احتمالات بیماری همه گیر صورت گرفت ؛ اما نه که بر موضوع اقتصاد ناشی از آن فکر کند ؟ این خوب است که فکر کنیم که دولت های غربی به صحت وسلامتی شهروندان خود اهمیت میدهند. اما این خود به جز خاکروبه ویا زباله چیزی دیگری نیست ! اما آنچه که در واقع بسیار مهم است ؛ آن تنها موضوعات مهم برای کسانی است که دولت های ما را در اختیار خود دارند که پول ومطمیناً قدرت بیشتر به آن همراه است .

## **از نظر اقتصادی عواقب فوری بعد از این تعطیل عمومی ویا قرنطین شدن چیست ؟**

\* محدود کردن مسافرت عمومی در حال سفرونفوس مصرف کننده «حد اقل در اتحادیه اروپا».

\* محدودیت عاجل وانی موجب انقراض فیصدی شرکت های کوچک ومتوسط (SME) میشود.

\* انسداد ویا مسدود شدن شرایط تامین معاملات زنجیره ای نه تنها کم وکمتر با چین میشود

\* زیاد شدن نرخ بیکاری درواری ارقام قبلاً آگاهانه افزایش یافته ازبیکاری .

\* افزایش ویا زیاد شدن اجتناب ناپذیر قیمت ها چه ناشی از کمبود کالاها وچه به دلیل افزایش هزینه های ایمنی ویا یارانه ها .

\* ایجاد پتانسیل برای لایه ای از فساد و ترافیک ضد انحصاری که نه تنها قیمت های روزمره را بالا می برد بلکه تا حدودی آنرا جرم می بخشد .  
گرچه ما در عین حال بیش از چندین گذارش در مورد نام مستعار تجاری جدید کاهش کمی ( Quantative Easing ) عطای به تریلیون ها دلار به اصطلاح به بانک ها یعنی تزریق پول به بانک ها را شنیده ایم .

در رسانه های غربی بر **چین** چین تهمت زده میشود که **چین** عامل ویا باعث بوجود آمدن « بحران ویروس کرونا » شده است و آنهم بخاطر سقوط دادن قیمت دارایی ها « نه تنها بورس سهام بلکه آسیب پذیر ساختن مشاغل ناشی از تعطیل ویا قرنطین کنونی » که در پرتو آن بتواند از آن استفاده نماید تا که آن کالاها ویا دارایی ها را به قیمت ارزان بخرد . من شخصاً هنگام خواندن این اظهارات رسمی غرب چه بطور مستقیم از طریق مطبوعات و سخنگویی رسمی رژیم ویا از طریق **ورتلیتس (wurlitzer)** بزرگ که از یک اصول ویا قاعده طلائی پیروی میکنم چنین دریا فتم : آنچه که آنها **چین** را متهم میکنند همان چیزی است که آنها از ساحه دید مخفی میشوند مانند که در اکثر صنف های از شاگردان مکتب رخ میدهد و آن اینکه در صنف یک شاگرد کردن کلفت بر شاگرد دیگر با گذار سیلی ضربه وارد میکند و بعداً آن شاگرد که سیلی خورده میخواهد گردن کلفت را سیلی زند ؛ این وقتی است که گردن کلفت فریاد می زند و معلم متوجه میشود که یک دانش آموز او را سیلی زد اما معلم صحنه اولی را هرگز ندیده بود - لذا این سناریو بدان می مانند که مردم سیلی میخورند و گردن کلفت ها پاداش میگیرند .

اگر با انتقادی پرسیم که « **QE** » جدید قرار است چه کاری انجام دهد- آیا محافظت از همه این بانکها در برابر شکست دیگری که در سال « 2008 » بوجود آمده بود است؟ نه، نه واقعا. در عوض این است که "بانکها" را با پول نقد برای خریدهای پیش از موعد مقرر در پی سقوط قیمتها پر میکنند تا بتوانند **چین** را از هرگونه سرمایه گذاری دیگر در بخشهای مهم غرب مسدود نمایند .

این پول بقا نیز است به گونه ای که بدون پیش آمدن خط سود کلی ، می توان همه پیش فرض ها و ورشکستگی ها در بخش **SME** را از بین برد .

به عبارت دیگر **الف و ب** ) می تواند نه تنها با اهداف کنترل استراتژیک جمعیت ، بلکه با برنامه واکسینا سیون جهانی بدنام ، بلکه به تحمیل کنترل « ارز » مرتبط باشد . در اروپا کمتر **یورو** به **چین** و در ایالات متحده آشکارا جریان **USD** «دلار امریکایی» کاهش می یابد . **ج** ) اختلال در زنجیره های تأمین عمدتاً یک اقدام سازمانی است . با این کار تعداد



کانالها بی که چین می تواند در غرب تجارت کند ، کاهش می یابد. در مرحله اول ، تثبیت اقتصاد در دستان کمتری نیز آسان و تسهیل خواهد شد ، به گونه ای که این زنجیره های تأمین بهتر می توانند از بالا مدیریت شوند.

**د)** همانطور که در جای دیگر بحث شد ، قدرت خرید در طی سی و چهل سال گذشته به طور مداوم کاهش یافته است برای اکثر جمعیت شاغل در هر دو طرف اقیانوس اطلس. نیاز به یک تنظیم اساسی جمعیتی وجود دارد. به عنوان مثال آلمان پس از استقرار مجدد آن در سال «1949» از واردات کارگری استفاده کرده است. ابتدا بلافاصله پس از شکست توسط اتحاد جماهیر شوروی جایگزین کمبود نیروی کار شد. که در بخش اقتصادی اصطلاح دوره بازسازی معجزه آسا گفته شده است ؛ بخش اعظم بودجه آن توسط سفارشات ماشین جنگی ایالات متحده در کره تأمین می شد و به سرعت نیروی کار موجود آلمان را جذب کرد. از این رو شروع به مکیدن کارگران از فقیرترین کشورهای اروپایی یعنی ایتالیا و یونان شد. اگر به دولت آلمان اعتقاد بر این باشد ، که نیروی کار داخلی برای برآورده کردن مطالبات فعلی بسیار پیر یا کهول یا خیلی کوچک است ، از این رو در حالی که کارگران داخلی تحت بازداشت خانگی هستند ، جریان افراد آواره شده توسط جنگ های «نا تو» ، به عنوان مثال. در سوریه ، بدون وقفه ادامه دارد. بنا براین نسل جدید کارگران صنعتی و فنی در پایین سلسله مراتب اجتماعی آلمان نه ترکی بلکه عرب زبان خواهند بود. دلیلی ندارد که آنها به زودی از زمانی که «نا تو» نابود شود ، به زودی به خانه های خود بازگردند.

در عین حال خرد کردن بخش کوچک و متوسط «SME» داخلی مانند همیشه - با مجبور کردن دستمزدها حتی بیشتر خواهد شد. اگر این ویروس واقعاً به اندازه که برخی ادعا میکنند که در کشتن افراد «60 ساله و بالاتر مؤثر باشد ، صندوق های بازنشستگی دولت به زودی می توانند مازادشان را اعلام کنند، درآمد خالص مهاجران و کاهش ناگهانی ذینفعان باشد. این یک نظر بدبینانه است اما الگوی بیمه برای تأمین اجتماعی که تحت زعامت بیسمارک تصویب شده بود ، انتظار می رود که طول عمر بسیار کوتاه تری داشته باشد و بازنشستگان کمتری از امروز داشته باشند. برنامه دولت برای افزایش سن بازنشستگی به «70 سال نمی تواند مشکل را حل کند زیرا هیچ شغلی برای این «65+» شهروند وجود ندارد. از این رو آنها مجبورند که از پس انداز یا وظیفه زندگی کنند. بهتر است فقط بگذارید آنها بمیرند.

اگر یک سقوط اقتصادی در غرب وجود داشته باشد ، پس برای حفظ و تعیین کردن دارایی ها به ارزهای دلار امریکایی و یورو و سفا رش به سرپا نگه داشتن و ذخیره دارایی ها بخاطر در نظر گرفتن بخت و طالع بیلونرهای دالر و یورو و سترلنگ است .

اکنون به این مورد تعطیل را اضافه کنید و دوسیه یا پرونده کوبا را به یاد بیاورید .

حس خوب اقتصادی مبنی به معطلی یا (Lockdown) نمایندگی از حکم بلند بالای غرب میکند ! البته با کم و بیش خرد کردن و یا در تحت فشار قرار دادن بخش شرکت های کوچک و متوسط (SME) با افزایش بیشتر مواجه ساختن آن با **چین** ! بعنوان مثال : واردات قطعات و یا اجزا و کالا های آماده شده برای فروش مجدد ؛ بمنظور بستن شکاف و یا دهنه ای « ارز خارجی » قابل توجه است ؛ که **چین** از این پرداخت ها محروم است بنا بر این تجارت خارجی با **چین** در معدود کارتل های که سیاست های پولی سیستم ذخیره فدرال (FED) باند انگلیس و بانک اروپا (ECB) را در اختیار دارند متمرکزتر میشود .

برای مرگ و میر های نورمال و یا عادی ؛ این خود جنون است از این که چرا غرب میخواهد یک سوم یا بین اقتصاد خود را خرد یا کوچک کند ؟ بهر صورت از سالهای متمادی است که مردم در مورد موقف یک فیصد جامعه ناله میکنند ولی در مورد آن کاری را از پیش نمی برند و یا کار بیشتری در این خصوص نمیکند . پس در حقیقت این یک فیصد جامعه میتوانند بدون داشتن اکثر اقتصاد عادی ؛ بسیار خوب زندگی کنند ؛ تا زمانیکه ثبات «ارزی» برای پس انداز های ثروت خود در جهان را بدست آورند و یاکه داشته باشند .

اینجا نه تنها موضوع مسافران برای کوبا مطرح نظر است بلکه بخش اعظم اقتصاد واقعی ؛ بانک های خصوصی بزرگ غربی که در بانک مرکزی انگلیس (BoE) در سال «1913» با سیستم ذخیره فدرال (FED) و بعداً بانک مرکزی اروپا (ECB) ایجاد شده اند ؛ خطر واقعی برای سیستم پولی را تشکیل میدهند - بانک مرکزی اروپا (ECB) و یورو (EURO) تا زمانی که دلار امریکایی و پوند استرلینگ انگلیس (GBP) همچنان به صفت استاندارد های بین المللی باقی بمانند ؛ قربانی میشوند .

**د)** یکی از فضایل سیستم که میتواند بعنوان یک پیاپی مدت کوتاه مدت یا میان مدت بالاثرب کاهش تعطیل (Lockdown) و سیاست ها و اقدامات مرتبط به آن ظهور کند ؛ ایجاد طبقه جدید از فعالان مجرمان برای اقتصاد واقعی خواهد بود و این غیر ممکن نیست که غرب نتواند به این کار دست نزند ؛ **چین و روسیه** را با هم یکجا با این مشکل مواجه نسا زد ؛ تا آنجا که من میتوانم ببینم ؛ غرب از پتانسیل آشکار برخوردار است که البته در مورد این پتانسیل به سختی ذکری بعمل آمده است - در اینجا پیوسته به موضوع مزکور ارزش ان



را ممکن داشته باشد که تاریخ اصلی روایت ویا داستان فیودالیزم را تداعی کنیم وآن اینکه دهقانان کاملاً به زمین وابسته بودند؛ اشراف و سلطنت بر سرزمین بخاطر کسب مالکیت خصوصی (مردم اشتغال و کار روی زمین) می جنگیدند - حرکت ویا تکان خوردن دهقانان بدون اجازه توسط فیودال ممنوع بود (ممنوعیتی که از طرف کلیسا نیز اعمال میشد مثلاً از طریق تفتیش عقاید)؛ پیگیری کار دستی یا تجارت تقریباً فقط در شهرها امکان پذیر بود که همراه با «آزادی» ممکن بود جزئیات این داستان فیودالی را میتوان در کتاب های ستاندارد تاریخ درباره این دوره از فرماسیون اقتصادی و اجتماعی (فیودالیزم) را خواند ویا دریافت.

بهر صورت ما اکنون هیچ رعایا یا جماعت از دهقانان را نداریم که بتوان آن را در کیفیت نامتناسب مواد غذایی موجود در کشورهایمانند، آلمان، هلند، بلژیک ویا بریتانیا تشخیص داد. در عوض کنون در اینجا تنها «کارگران آزاد» وجود دارند که برخی تصور میکنند که اینها در اینجا خانه نیز دارند ویا که مالک خانه های رهایی هستند- دال بر این گفته البته که بلافاصله پس از فروپاشی آلمان شرق هر مسافر ویا هر گردشگر توانست انفجاری را که در اکثر بخش های دادوستد رخداد مشاهده کند بخصوص که در اکثر آرایشگاه ها و رستورانها کوچک و متوسط ویا در شرکت های خدمات شخصی مشابه. بوقوع پیوست. که البته بخش عمده از این کسب وکارها بعد از بسته شدن کارخانه های آلمان دموکراتیک و سایر موسسات استخدام کننده موجب ایجاد سراسیمگی و بیکاری شد که البته تا هنوز این موضوع توسط پیروان سیاست های اجتماعی نیمه تمام پنهان مانده است. از اینکه اکثر آنها کاملاً ناامید شده بودند تا که اگر بتوانند تا آن ظرفیت های کسب وکار را دوباره پس گیرند؛ این مشاغل در معرض مالیات و سایر مقررات فشرده مصارفاتی که مشخصه کشورهای مدرن بیروکراتیک مانند آلمان است طبعاً آسیب پذیر بودند؛ همچنین جای تعجب نیست که آنها چیزی بیش از درآمد حاشیه ای ارایه دهند که غالباً باید توسط برخی از مشاغل با مزایای اجتماعی جبران شود.

در حال حاضر این امر برای اکثریت به اتفاق مردمی که از نظر اقتصادی در زمره اشخاص کم درآمد ویا کم عاید قرار دارند طاقت فرسا و ناامید کننده است که با این وجود تا هنوز هم قانونی است و اولین قدم بسوی ترساندن این بخش عمده از افراد به نسبت محدود شدن یا ممنوعیت بخش خدمات شخصی از جمله با دلایل چند از صحت و سلامتی است؛ یا که اکنون به نسبت «فاصله گرفتن اجتماعی» در هر نقطه کشور ناممکن است که قسم سابق موها گرفته شود (اصلاح مو) یا مانیکور اجرا شود ویا که اینها به نسبت عدم آگاهی از واقعیت، احکام وضع شده را مراعات نمیکنند و این دسته از افراد هیچ وسیله

ای دیگری برای درآمذایی ندارند به جز از خدمات شخصی و میزبانی که به اجرای همچو خدمات نیاز دارند تا راهی برای ملاقات و معامله ای را پیداکنند.

در اینجا است که روح و روان **اقای گیتس (Gates)** بویژه هولناک و یازیان اور است البته نه فقط به دلیل قسمتی از ملیارد دلار دیگر را که ممکن است او آن دلارها را بدوزد یا دزدی کند؛ آنچه که **اقای گیتس** بعنوان **پسر پوستر (poster boy)** = شخص مبلغ نظریه های نیروهای دست راستی (و تمام رژیم های نظامی و رژیم امور مدنی که تازه متولد شده است ..... و بما پیشنهاد میدهد یا که ممکن است به ما نیرو ببخشد و آنهم از نظر معنوی و اجتماعی وابسته و مشا به به رژیم منع نو ایجاد شده توسط قانون **اولستید (Volstead =** اشاره به قانون منع تحریم در ایالات متحده سال «1920» از جانب **اولستید** نماینده امریکا در کنگرس (1860-1947) جمهوریخواه از مینی سوتا که این لایحه را در سال (1919) ممنوع ساخت یعنی که تمام مشروبات الکھولی را که حاوی «0,5» الکھول بود..... **تفصیل توسط این قلم**) ایالات متحده است برای جلوگیری مصرف مشروبات الکھولی که ظاهراً ممنوع اعلام شده است با این وجود تا زمانی که افرادی مانند **هنری فورد.....** به حمایت از قانونگذار نرسیدند همراه با **راکفیلر** یکی از ثروتمندترین مردمان جهان تاکید کردند که این قانون ممنوعیت به آنها قدرت تخریب ویا از هم پاشیدن محل تجمعات مهاجران از اروپای شرقی و جنوبی را میدهد و آنهم به بهانه ای اینکه در غذای آنها صرف آجیو و مشروبات الکھولی جز لاینفک زندگی آنها است یعنی آنهایکه از قرن ها نوشیدن آجیو و الکھول و دیعه ای از رژیم های شان بوده است که البته حمله اشخاص همچو راکفلر و دیگران در واقعیت امر حمله بر عنعنات و خصوصیات شخصی و خانوادگی آنها محسوب میشود اما از آنجا یکه این موضوع یک موضوع «بهداشتی» بود قانون **اولستید** هیچ حقوق اساسی اتباع را نقض نکرده بلکه حسب این قانون در همه جاها و محلات صرف مشروبات الکھولی بسته میشود و همه محلات تجمع وگردمایی های این مهاجران توسط پلیس مسلح محلی طبق قانون مسدود میشود.

اگرچه این یک قانون سختگیرانه بود، اما واقعاً قابل اجرا نبود. در حقیقت، سلسله سیاسی مشهور **کندی** تنها یک خانواده بود که ثروتش ناشی از شکستن قانون نبود. هیچ گاه در دوره ممنوعیت در ایالات متحده، طبقه حاکم از نوشیدن مشروبات الکلی محروم نشدند. علاوه بر این، فروش مخفیانه الکل، رشوه دادن پلیس و دیگر مقامات، پرداخت پول محافظت به گانگسترها، یک ساختار کل شرکت را ایجاد کرده است، که تا امروزه زنده مانده است اگرچه دامنه محصولات آن عمدتاً بر اساس مواد مخدر است. مشاغل غیرقانونی و قانونی

مواد مخدر به همراه نفت و اسلحه یکی از ارکان اصلی برتری دلار آمریکا را تشکیل می دهد ، اما این تنها جزئیات در اینجا است .

نکته مهم در اینجا این است که فرهنگ منع «قرنطین و تجرید» به وضوح در زمینه "بیماری واگیر" یعنی ویروس های بسیار عفونی جهش یافته است "سلامتی" از کار یا درآمد خارج شد- باعث افزایش غنی سازی یا ثروت اندوزی بیشتر کسانی خواهد شد. در حالی که مردم در شبکه این رژیم پلیس گرفتار می شوند ، همبستگی رو به پایین را تضعیف می کنیم.

اینکه آقای **گیتس** و دوستان اش در طرح واکسن شناخته شده ویا هویت داده شده ID2020 [در سال «2018» ، اتحادیه همکاران «ID2020» ، با همکاری کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR) ، یک بیان رسمی از دیدگاه ما در مورد رویکردهای اخلاقی به هویت دیجیتال تهیه کردند. نشانه شناسه «ID2020» در زیر این اصول مشترک را بیان می کند و یک نقطه شروع برای هدایت آینده هویت دیجیتال در سطح جهان است . **تفصیل توسط این قلم** ] . و آنرا بشکل یک تراشه «chips» در تحت جلد قرار دادن ویا جابجا ساختن چه که موفق شدند ویا که نه ؟ مطمئناً که یک طرح ویا یک سوال جدی است . اما اگر حتی این مدل خاص تحت جلد ما نتواند در مبارزه از طریق خدمات شخصی توام با همچو مهمان نوازی نصف ویا سوم قسمت از نفوس یا جمعیت را از مرگ نجات دهد یا که بتواند این تعداد نفوس را زنده نگهدارد- پس به هدف ویا به آماج همان نوع از صنف پرازیتی در خواهد آمد یا تبدیل خواهد شد که خود را تحت رژیم منع قرار خواهد داد و در محیط جنگ دایمی ( همان چیزی که در سال «1984» از آن بگونه تهوع اور توصیف شده است) ؛ با فرایند های کمی وکاستی وفساد طراح آن همراه خواهد بود..... با هدف مجازات و انطباط بخشیدن به اکثر مردم که کنون از مقادیر مازاد از درآمد خود استخراج میکنند یعنی برای مصارف خود از مازاد درآمد های خود استفاده میکنند که این مورد غیر قانونی که بطور مصنوعی ایجاد شده است به طبقه ای تعلق میگیرد که از افراد توانمند اند که از خدمات آن سود می برند . و هیچ علاقه ای برای بازگشت به روابط عادی انسانی ندارند . افزایش قیمت ؛ قیمت ها در حال حاضر به دلیل افزایش بیکاری به موازات دستمزدها است .... که با در نظر داشت این وضع همان است که دلایل «صحت و سلامتی» بیرون شدن از کار ویا عدم انتظار مازاد آورده میشود در حالیکه قاطبه مردم در شبکه این رژیم پلیسی با این نوع طرز برخورد گرفتار میشوند .

پس بنا بر این مقامت در برابر هرگونه تحمیل بیشتر این وضعیت محاصره شده بسیار ضروری است و در این مورد نمیتوانم از پاراگراف برخی از استعماری های مصر از قرن «18» استفاده کنم. پس از این تجرید همه ما باید با هم بیمار شویم یا هر یک ما جداگانه بیمار خواهیم شد.

عده ای هستند که کتاب های **جورج اورول** را به عنوان نسخه خوانده اند. او سالهای آخر عمر خود را برای کار در دفتر "وزارت حقیقت" انگلیس گذراند. سپس کسانی هستند که به طور کامل کتابهای وی را به عنوان حمله به **اتحاد جماهیر شوروی** و کمونیسم سوء تفسیر می کنند. اما کسانی که کتابهای وی را با دقت می خوانند، می بینند که او روح و عملکرد کارفرما یا نشانه خوبی درک کرده است. داستان «Orwell» مانند تمام حرفه و کارهای غیرانتفاعی او دو طرفه است. شاید بهترین راه برای درک آنها به عنوان خاطرات یک افسر پلیس استعماری باشد، که وظیفه خود را می دانست و مهم نیست که چقدر کارهای مخالف را انجام داد. این وظیفه ای بود که دستان و پاهای حاکم را در حالی که حاکمان جیب های خود را خالی می کردند، نگه دارد. **اورول** می دانست که او برای گانگسترها کار می کند، اما او به این کار احتیاج داشت. این همان قیمتی بود که وی پرداخت کرد. بله، اگر **مادلین آلبرایت** آماده می بود که نیم میلیون کودکان کشته شده عراقی را از اینک او بعنوان نماینده سیاسی یک کشور در زمان ملل منسوب شده بود می دید؛ میتوانید شرط کنید که در حدود (60) میلیون مرده یا به برده گی کشانده شده را مشاهده مینمودید پس آیا ارزش آنرا دارد که بخاطر حفظ مقام و موقف از یک فیصد بالای جامعه محتمل همچو ضایعات شد یعنی با تاکتیک امتیاز دادن در این سیاره بری نفوس یک فیصد جامعه.

### توجه داشته باشید

[1] **QE = تسهیل کمی**: یک اصطلاح ژارگون مالی است که توسط سیستم ذخیره فدرال ایالات متحده برای حمایت مالی ممتاز از "بانک ها" از رده های بالاتر استفاده می شود تا مانع از رنج (یا سقوط) آنها در زیر وزن عملیات استخراج دقیق خود شود. ، به عنوان مثال سیفون بدهی و راکت قمار. این ساز و کار شامل شبه دولتی (اما در واقع متعلق به بخش خصوصی و مدیریت شده) سیستم ذخیره فدرال است که با صدور تعهدات خزانه داری ("اصطلاحاً" **debts** "بدهی های" بد" یا غیرقابل جمع آوری یا قمار این" بانک های سطح بالا") را خریداری می کند. ( - یادداشت ها) ، اساساً ادعاهای تأیید شده ای مبنی بر اینکه این "بانک ها" ممکن است علیه دولت ایالات متحده ادعا کنند مبلغ رسید مالیاتی و سایر درآمد عمومی را در صندوق های خود دارند. این ادعاها نیز قابل مذاکره هستند ، به

این معنی که در بازارهای مالی معامله می شوند و می توانند مانند پول برای خرید دارایی های غیر مالی استفاده شوند

## **چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :**

دکتر T.P. ویلکینسون: معلم مضمون تاریخ و انگلیسی دایریکتور ثنا تر و مربیان کریکت را بین گهواره های ها بین و ساراماگو کارگردانی می کند. او همچنین نویسنده لباس های کلیسا ، سرزمین ، ماموریت و پایان آپارتاید در آفریقای جنوبی است.

----- **با تقدیم سلام ها «2020-04-26»**